

رخداد

شمارش معکوس برای قصاص متهمان جنایت در پیست موتورسواری

■ پلیس‌خبر: دو پسر جوان که به اتهام حمله مسلحانه به پیست موتورسواری در شهر «آب‌پخش» دشتستان و کشتن سه مرد و زخمی کردن چهار نفر دیگر در زندان به سر می‌برند، با تأیید حکم اعدام در یک قدمی مرگ قرار گرفتند. روز اول دی سال گذشته، هنگام برگزاری مسابقه‌ای میان موتورسواران در پیستی واقع در محل فرودگاه متروکه شهر «آب‌پخش» استان بوشهر، ناگهان در برابر چشمان به‌ت‌زده تماشاگران، دو جوان با سلاح کلاشینکف چند تیر هوایی شلیک کردند. در این هنگام که وحشت بر پیست سایه افکنده بود، دو جوان مسلح به یکی از موتورسواران که خود را برای مسابقه آماده می‌کرد، حمله‌ور شدند و او را از موتورسیکلت پایین انداختند تا موتورش را به سرعت ببرند. مردم با دیدن این صحنه به سمت مهاجمان حمله کردند تا آنها را خلع سلاح کنند اما آن دو به طرف تماشاگران و موتورسواران شلیک کردند. متهمان سپس سراسیمه به سمت دو موتورسیکلت دیگر رفتند تا پس آن فرار کنند اما مردم خشمگین دوباره به سمتشان حمله‌ور شدند و این بار زندان را خلع سلاح و دستگیر کردند. قذافی‌بع بعد با حضور مأموران انتظامی در محل حادثه، متهمان به اداره آگاهی انتقال یافتند. بلافاصله هفت تماشاگر و موتورسوار که زخمی شده بودند، به یکی از مراکز درمانی انتقال یافتند اما به‌رغم تلاش پزشکان، سه نفر از آنها بر اثر شدت خونریزی تسلیم مرگ شدند. با تشکیل پرونده قضایی در این ارتباط، متهمان پرونده افسین و احمد ۲۰ و ۱۸ ساله اعتراف کردند قصد سرقت موتورسیکلت را داشتند و نمی‌خواستند چنین حادثه دلخراشی رقم بخورد. افسین در تحقیقات پلیسی انگیزه‌اش را از سرقت موتورسیکلت، علاقه و شیفتگی بیش از حد به موتورسیکلت‌های مسابقه‌ای عنوان کرد و افزود: وقتی از مسابقه موتورسواری در پیست اطلاع یافتیم، نقشه دزدی موتورسیکلت‌ها را طراحی کردیم. وی ادامه داد: برای اجرای نقشه دزدی، ابتدا یک میلیون تومان از فردی قرض کردیم و با آن دو سلاح کلاشینکف خریدیم. سپس یک موتورسیکلت را که در خیابان پارک بود، دزدیدیم. این متهم در ادامه گفت: «صبر روز حادثه من و دوستم به جمع تماشاچیان پیوستیم. همزمان با شروع مسابقه، چند تیر هوایی شلیک کردیم و قصد سرقت چند دستگاه موتورسیکلت را داشتیم که موفق نشدیم و برای فرار مجبور شدیم به سمت شرکت‌کنندگان و تماشاگران شلیک کنیم». احمد همدست افسین نیز گفته‌های او را تأیید کرد. پرونده متهمان یک هفته پس از وقوع حادثه با صدور کیفرخواست به شعبه اول دادگاه کیفری استان بوشهر ارسال شد. به این ترتیب دو دزد مسلح، محاکمه به اعدام در ملاعام محکوم شدند. با اعتراض متهمان، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد که قضات دیوان عالی کشور نیز چند روز پیش حکم را تأیید کردند که پس از استیناد از سوی رییس قوه قضاییه، پرونده قضایی دو محکوم به مرگ اویل هفته جاری برای اجرا به واحد اجرای احکام دادگستری استان بوشهر ارسال شد. به این ترتیب شمارش معکوس برای اجرای حکم اعدام این دو متهم آغاز شده است.

دو کارگر بمپ‌بازین سارق ۵۲ کارت‌سوخت

■ شرق: دو کارگر بمپ‌بازین که کارت سوخت‌های شهروندان را می‌دزدیدند، دستگیر شدند. مأموران پلیس کرج در پی دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اینکه افرادی به صورت غیرقانونی در اطراف جایگاه‌های سوخت اقدام به فروش بنزین به صورت آزاد می‌کنند، به تحقیق در این خصوص پرداختند و دو متهم را در حال فروش غیرقانونی بنزین در یکی از جایگاه‌های سوخت فردیس شناسایی و دستگیر کردند. در بازرسی بدنی از متهمان ۵۲ فقره کارت سوخت متعلق به افراد مختلف، دو قبضه چاقو و سه گرم کراک کشف و ضبط شد. متهمان در بازجویی‌ها اعتراف کردند به مدت چهار ماه است که با سرقت کارت‌سوخت شهروندان، بنزین موجود در آنها را به فروش می‌رسانند. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد متهمان در یکی از جایگاه‌های سوخت به عنوان متصدی و کارگر مشغول کار هستند و از همین موقعیت سوءاستفاده و کارت‌سوخت‌های مردم را از جایگاه سرقت می‌کردند.

مرگ هنگام به دام انداختن کبوتر

■ پلیس‌خبر: جوانی که برای گرفتن کبوترش از تیر چراغ برق بالا رفته بود دچار برق‌گرفتگی شد و در دم جان سپرد. مأموران پلیس زنجان روز جمعه در جریان برق‌گرفتگی در روستای جزناب قرار گرفتند و متوجه شدند جوانی ۱۰ساله برای گرفتن کبوترش بالای تیر چراغ برق رفته و دچار برق‌گرفتگی شده و جانش را از دست داده است. به گفته شاهدان این جوان هنگامی که قصد گرفتن کبوترش را داشت دستش به سیم برق اصابت کرد و دچار برق‌گرفتگی شد.

دستگیری جاعل اسکناس

■ ایسنا: فرمانده انتظامی فومن از دستگیری جاعل اسکناس در این شهرستان خبر داد. سرهنگ پاک‌علیزاده گفت: مأموران در پی اعلام گزارش‌های مردمی مبنی بر اینکه فردی اقدام به پخش اسکناس‌های تقلبی می‌کند به تحقیق در این باره پرداختند. علیزاده ادامه داد: مأموران با شناسایی متهم ضمن دستگیری وی در بازرسی از مخفیگاهش ۷۳ قطعه اسکناس صد هزار ریالی جعلی و چهار قطعه ایران‌چک ۵۰۰ هزار ریالی جعلی را کشف و ضبط کردند. وی اضافه کرد: این متهم دارای سوابق کیفری اعم از خرید، نگهداری و حمل سلاح‌های جنگی و شکاری، حمل و مصرف موادمخدر، سرقت‌های مسلحانه و صدور چک بلاحمل است.

شرق: زن جوانی که متهم است شوهرش را با ضربات چاقو و چنگال به قتل رسانده در جلسه محاکمه‌اش، گذشته دردناکش را توضیح داد و مادرشوهرش او را بدون قید وشرط بخشید. به گزارش خبرنگار، ما این زن جوان که سارا نام دارد، در دفاعیاتش توضیح داد وقتی کودک بود پدر و مادرش از هم جدا شدند و او در نوجوانی مجبور شد برای رفع نیازهای مالی به دویی برود. روشن، نماینده دادستان در ابتدای جلسه محاکمه از کیفرخواست صادره علیه سارا دفاع کرد و خطاب به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران گفت: پلیس ۱۴آبان سال گذشته متوجه شد زنی ۲۵ساله به نام سارا شوهرش را با ضربات جسم نوک تیز به قتل رسانده‌است. زمانی که مأموران این زن را بازداشت کردند او به قتل اعتراف کرد اما مدعی شد شوهرش قصد داشت وی را بکشد و او مجبور شد برای دفاع از خودش دست به قتل بزند. نماینده دادستان ادامه داد: سارا مدعی شد شوهرش روز حادثه می‌خواست ماده مخدر شیشه بخرد و او برای جلوگیری از این کار شوهرش، با او درگیر شد و ابتدا او را با چنگال و سپس با چاقو زد و به قتل رساند. بنابراین با توجه به مدارک موجود در پرونده و درخواست اولیای‌دم تقاضای صدور رای قانونی در این خصوص را دارم. در ادامه مادر مقتول به عنوان تنها ولی‌دم در جایگاه حاضر شد و گفت: من نمی‌توانم کسی را اعدام کنم. هیچ وقت نمی‌توانم با در خواست‌م باعث مرگ کسی بشوم و به همین دلیل هم تصمیم گرفتم درخواست دهم که با اینکه پدرم را خیلی دوست داشتم و او جزیی از وجودم بود و هنوز هم برایش اشک می‌ریزم اما درخواست قصاص ندارم. در این هنگام سارا با اجازه قضات به سمت مادرشوهرش رفت و با گریه چند کلمه‌ای آرام با وصیت کرد. لحظاتی بعد زن میانسال در حالی که به‌شدت می‌گریست خطاب به قضات گفت: من درخواست دهم هم ندارم و متهم را بدون قید و شرط می‌بخشم. او گفت: نمی‌توانم تحمل کنم کسی به دلیل پول به من التماس کند. سارا یک انسان است و من نمی‌توانم ببینم

این‌طور به من التماس می‌کند. وقتی کسی به دلیل نداری و توانایی در پرداخت دیه التماس می‌کند خیلی ناراحت می‌شوم. او از سارا خواست روی صندلی‌اش بنشیند و گفت حاضر نیست گریه‌های عروشی را ببیند. قاضی هم‌تبار، رییس دادگاه چندبار از مادر مقتول پرسید آیا در تصمیم خود جدی است که این زن با گریه پاسخ‌داد: «من هیچ چیز نمی‌خواهم». سپس سارا در جایگاه حاضر شد و گفت: اتهام قتل را قبول دارم اما به عمد و شوهرم را نکشتم. من و سعید چندسالی بود که با هم ازدواج کرده‌بودیم. سعید معتاد به شیشه بود. او سعی داشت من را هم معتاد کند تا خیلی با او درگیر نشوم. البته حدود شش ماه هم مواد کشیدم اما معتاد نشدم و می‌تولستم خودم را کنترل کنم. تا اینکه تصمیم گرفتم ترک کنیم. دو روز قبل از این حادثه من

حوادث

بخشش عروس متهم به شوهرکشی در دادگاه

■ مادر مقتول: نمی‌توانم با درخواستم باعث مرگ کسی بشوم



سارا، قاتل شوهرش

و سعید شیشه کشیدیم بعد از آن دیگر مواد مصرف نکردیم تا اینکه روز حادثه سعید تماس گرفت برایش مواد بیاورند. وقتی می‌خواست بیرون برود تا این مواد را بگیرد من سعی کردم جلوش را بگیرم و همین باعث شد باهم درگیر شویم. من او را زدم سعید با عصبانیت مرا به زمین پرت کرد و دستاش را روی گلویم گذاشت تا خفام کند اما نتوانستم با پایهام او را هل بدهم و بلند بشوم. سعید به سمت آشپزخانه رفت و چاقو برداشت من هم چنگال برداشتم او می‌خواست من را بزند. اول با چنگال چند خراش روی بدنش انداختم اما وقتی دیدم نمی‌توانم مقاومت کنم چنگال را به زمین پرت کردم و بعد سعی کردم چاقو را بگیرم. نتوانستم به‌طور کامل چاقو را بگیرم. دست سعید به سمت خودش چرخید و چاقو وارد بدنش شد.

۳۱ روز اسارت در چنگ گروگانگیران سه‌میلیارد تومانی

شاکي ادامه داد: «متهمان بعد از چند روز شباهه مرا به خانه دیگری بردند و باز هم همان شکنجه‌ها تکرار شد. من در مجموع ۳۱ روز اسیر گروگانگیران بودم و در این مدت شش بار محل نگهداری‌ام را تغییر دادند. آنها مرتب مرا تحت فشار می‌گذاشتند و تن داشت به طرفم آمدند و گفتند من متهم به اختلاس هستم و باید همراهشان بروم. قبل از اینکه بتوانم واکنشی نشان دهم آنها دستان و چشمانم را بستند و مرا به خانه‌ای بردند و شروع به شکنجه کردند و گفتند باید سه‌میلیارد تومان از اموالم را به نام آنها کنم ولی من در برابر خواستشان مقاومت کردم.»



سارا، قاتل شوهرش

می‌شد مرد جوان در پی یک حادثه جان باخته است بازپرس جایی دستور داد پیکر او برای انجام آزمایش‌های دقیق تر به پزشکی قانونی تحویل داده شود. چندی بعد متخصصان این سازمان اعلام کردند در ناحیه پشت سر متوفی اثر جراحات وجود دارد و به نظر می‌رسد ضربه‌ای با جسم سخت به آن قسمت وارد و باعث مرگ وی شده است.

اعلام این نظریه سبب تردید در صحت ادعاهای یحیی شد

به همین دلیل پرونده در اختیار کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل

در این هنگام قاضی دادگاه از سارا خواست تا واقعیت را بگوید او گفت: مقتول یک مرد و از تو قوی‌تر بود بنابراین او می‌توانست از خودش دفاع کند چطور تو با این جثه ریز توانستی دست او را بچرخانی؟ متهم جواب داد: وقتی داشتم چاقو را از دستش می‌کشیدم دستش باز شد و چاقو به دست من افتاد و نوک آن را بر گرداندم و وارد سینه‌اش کردم. بعد از زخمی شدن سعید چون نمی‌خواستم او بمیرد با او رزانس تماس گرفتم گفتند تا ۱۰دقیقه دیگر می‌رسند اما تا قبل از آن باید پارچهای بزرگ را محکم روی جای زخم فشار می‌دادم تا خونریزی کنترل شود. این کار را انجام دادم و بعد با مادرم و خواهرم تماس گرفتم و از آنها کمک خواستم. آنها آمدند اما او رزانس نیامد. حدود ۲۵ دقیقه طول کشید تا او رزانس بیاید و بعد هم که سعید را به بیمارستان بردند او فوت شد. متهم در پاسخ به سوال قضات در مورد سفرش به دویی گفت: وقتی بچه بودم پدر و مادرم از هم جدا شدند و من و خواهرم با مادرم زندگی می‌کردیم. بزرگ که شدم برای اینکه هزینه‌های زندگی‌ام را تأمین کنم دو بار به دویی رفتم. هربار با مردی غریبه رفتم که حتی اسم کامل آنها را نمی‌دانستم. مدتی که آنها در دویی بودند من هم ماندم و بعد از هرکدام ۱۵ میلیون تومان پول گرفتم. متهم ادامه داد: وقتی به ایران برگشتم به عنوان منشی در شرکت واسطه فروش خودرو استخدام شدم اما بعد خودم با پولی که داشتم شرکت تأسیس کردم اما موفق نبودم. سپس با سعید آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم. منم در ادامه به درخواست قضات صحنه قتل را در دادگاه بازسازی کرد و سپس وکیل مدافع او برای دفاع از موکلش در جایگاه حاضر شد. زمانی که سارا دوباره برای بیان آخرین دفاع در جایگاه حاضر شد از قضات خواست. در مجازات او تخفیف بدهند او گفت از کرده‌اش پشیمان است. بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری‌استان تهران برای صدور رای صدور از دادگاه به لحاظ جنبه عمومی جرم وارد شور شدند.

بودند و در تمام مدت چشمانم نیز بسته بود اما صدای دو نفر از آنها را شناختم و مطمئن هستم یکی از آنها صاحب شرکتی است که حدود دو سال قبل دو میلیاردتومان جنس به او فروخته بودم. رقم دوم هم مدیر مالی همان شرکت بود.» مأموران در ادامه تحقیقات با بازجویی از متهمان دستگیرشده فهمیدند آن دو از اعضای یک باند شش‌نفری هستند. به همین دلیل عملیاتی ویژه را طرح‌ریزی و صبح دیروز چهار متهم دیگر این پرونده را نیز بازداشت کردند. در حال حاضر بازجویی از متهمان آغاز شده است.

قرار گرفت و آنها با‌بازجویی‌های تخصصی از متهم ر آغاز کردند. یحیی که همچنان قصد داشت مرگ دوستش را حادثه‌ای ناخواسته جلوه بدهد بالاخره دو روز قبل به کشتن اسماعیل اقرار کرد و در اعترافاتش گفت: «آخرین روز آبان سال گذشته در پارکینگ محل کارم در حال استراحت بودم که اسماعیل به پارکینگ آمد و گفت قصد دارد پژو ۲۰۶ یکی از کارکنان پارکینگ را با وساطت من، برای رفتن به عروسی امانت بگیرد اما صاحب پژو چون اسماعیل را نمی‌شناخت، از دادن ماشین به وی خودداری کرد. اسماعیل هم رفت اما ساعت سه بامداد مجددا به محل استراحت من آمد و مرا بیدار کرد. ما به خواسته او به انبار پارکینگ رفتیم. در آنجا بود که میان ما درگیری ایجاد شد و اسماعیل یک ضربه به صورتم زد و من که عصبانی شده بودم او را به عقب هل دادم و سر اسماعیل به وسایل و لوازم داخل انبار برخورد کرد و روی زمین افتاد. من تصور کردم، می‌خواهد مرا بترساند بنابراین همین بدون توجه به او به اتاق خودم رفتم اما پس از گذشت نزدیک به نیم‌ساعت در حالی که از اسماعیل خبری نشده بود، مجددا به انبار برگشتم و در آن زمان با دیدن صورت اسماعیل متوجه شدم او فوت شده است. در همین زمان خودرو گشت پلیس برای تحویل دادن خودرو توقیفی وارد پارکینگ شد و من از ترس اینکه مبدا مأموران متوجه موضوع شوند تصمیم گرفتم جازه را به چاه پارکینگ بیندازم.» بنا بر این گزارش متهم بعد از افشای جزئیات ماجرا با قرار بازداشت در اختیار کارآگاهان قرار گرفت تا تحقیقات از او ادامه یابد.



یکساعت نجات

آتش‌سوزی بزرگ در انبار کالا

شرق: انبار کالاهای لوازم خانگی در دولت‌آباد با تلاش آتش‌نشنان ۱۰ ایستگاه آتش‌نشانی پس از ۱۳ ساعت عملیات خاموش شد. این حریق ساعت ۱۷:۱۱ جمعه در دولت‌آباد، میدان بورج‌رید، بلوار شهزاد رخ داد و انباری که حدود سه‌هزار مترمربع مساحت داشت و ملو از لاستیک، کالاهای بازرگانی و لوازم خانگی بود کاملاً شعله‌ور شد. تلاش آتش‌نشنان برای خاموش کردن آتش تا ساعت ۶:۳۰ با‌مداد دیروز ادامه داشت و بالاخره حریق مهار شد. در این حادثه به هیچ یک از شهروندان آسیبی وارد نشد اما سه نفر از آتش‌نشنان حین عملیات دچار آسیب‌دیدگی شدند.

نگاه

جنایت؛ پدیده‌ای بهنجار یا ناهنجار؟



شاپور اسماعیلیان

وکیل دادگستری

■ جنایت در مفهوم اعم آن، غالباً پدیده‌ای ناهنجار توصیف می‌شود. به سخن دیگر وقوع جرم در هر جامعه، به لحاظ اینکه تخطی از مقررات جزایی آن جامعه به شمار می‌آید، عمل ممنوعه قابل نکوهش است و واکنش اجتماعی اعمال مجازات را به دنبال دارد. از این رو شاید این‌گونه به نظر آید که جامعه عاری از جنایت یا انحراف، جامعه‌ای است سالم. اما واقعیت این است که چنین جامعه‌ای «آرمانی» است. زیرا در دنیای کنونی و بلکه در هر دوره از ادوار تاریخی یک کشور یا جامعه، نمی‌توان مقطعی را یافت که در آن، هیچ جرمی واقع نشده یا نشود و بدون تردید، جنایت، پدیده‌ای است رایج در کلیه جوامع و ادوار مختلف و تنها نرخ، شدت و ضعف آن و صدق‌هایش گاهی متفاوت است. بنابراین وقوع جرم، اجتناب‌ناپذیر است و حتی به عقیده برخی از اندیشمندان در عرصه جامعه‌شناختی مانند امیل دورکیم، جنایت پدیده اجتماعی بهنجار است و یک عامل سلامت عمومی محسوب می‌شود. زیرا از نظر دورکیم، تپهکاری از علل استثنایی ناشی نمی‌شود بلکه برخاسته‌از ساخت خود فرهنگ است و در مقام تجزیه و تحلیل، همیشه باید نسبت به یک فرهنگ معین در زمان و مکان مورد بررسی قرار گیرد. تبیین تفصیلی نظریه دورکیم در گنجایش این نوشتار کوتاه نیست اما این عقیده، بنابر واقعیت‌هایی است که با نظریات برخی دیگر از جرم‌شناسان نیز تطبیق دارد که در این نوشتار نگارنده به نتایج پذیرش چنین عقیده‌ای اشاره می‌کند.

۱- اگر در یک جامعه یا فرهنگ معین، وقوع جرم در حد متعارف باشد نشانه سلامت عمومی و پویایی آن جامعه است. زیرا اگر پدیده جنایی را به عنوان واکنش یا اعتراض مرتکب جرم به وضعیت موجود یا لاقال «وضعیت خود» او تلقی کنیم، این فرآیند مبین نارضایتی ناشی از کاستی‌های است که وجود دارد و اگر فرض شود عوامل جرم‌زا مربوط به محیط اجتماعی نبوده و از شخصیت ذاتی خود فرد به عنوان مثال (اختلال شخصیتی مرتکب) ناشی می‌شود، باز این پرسش مطرح است که ابتدا به اختلال شخصیتی چون شخصیت ضد اجتماعی، حاصل عوامل محیط اجتماعی است یا مربوط به عاملی است که فطر تا مرتکب وجود داشته و در صورت اخیر نیز جامعه باید پاسخگوی این پرسش باشد که چه اقداماتی را برای مداوا یا کنترل این نوع شخصیت به کار گرفته یا اساسا قصور کرده است؟

۲- ارتکاب جرایم در حد متعارف و نه با نرخ بالا و چشمگیر، هشداری است به مدیران جامعه تا با اصلاح امور و رفع انتقاده‌ا و تبعیضات ناروا و آنچه بایمن حداقل معاش عمومی نامیده می‌شود، به موقع درصدد چاره‌جویی برآیند و قطعاً این تکلیف با گسترش نرخ جرایم دوچندان شده و اصلاح امور را نیز مشکل می‌کند.

۳- جامعه‌ای که در آن با وجود تکثر خواسته‌ها و تنوع شرایط محیطی و اجتماعی هیچ انحرافی رخ ندهد- که چنین فرضی بعید می‌نماید- نشان از بهنجاری جامعه دارد و هرگز نباید چنین وضعیت نادر و بلکه ناممکن را نشانه رضایت‌مندی عموم تلقی کرد زیرا این فرآیند غیرمتعارف هشداری می‌دهد و همان‌طوری که اشاره شد ارتکاب جرم در حد متعارف نشان از سلامتی عمومی دارد و هشدار به موقع و خوبی است برای اداره‌کنندگان جامعه که از اصلاح امور غفلت نکنند.

حادثه‌ها

دستگیری سارق ۷۰ میلیونی طلا

■ پلیس‌خبر: مأموران سارقانی را که مقداری طلا را به ارزش ۷۰ میلیون تومان به سرقت برده بود دستگیر کردند. مأموران پلیس سبزوَر در پی وقوع سرقت طلاجات از منزل یکی از شهروندان با یکی از بستگان مالیخته‌مظنون شدند و وی را دستگیر کردند. در تحقیق از این جوان ۲۹ساله، وی به سرقت طلاجات با همدستی یکی از دوستانش اعتراف کرد. سپس مأموران همدست وی را دستگیر و در بازرسی از منزل متهم طلاجات مسروقه را به ارزش ۷۰ میلیون ریال کشف کردند.

انهدام باند سارقان زورگیر

■ شرق: رییس پلیس آگاهی مازندران از شناسایی و دستگیری اعضای باند سارقان زورکار ۲۵ فقره سرقت خبر داد. سرهنگ محمد عظیمی با اعلام این خبر گفت: مأموران در پی کسب خبری مبنی بر فعالیت چند نفر در امر سرقت و زورگیری از شهروندان به تحقیق در این خصوص پرداختند. وی تصریح کرد: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی موفق شدند، سردهست این باند مخوف را در عملیاتی غافلگیرانه شناسایی و دستگیر کنند. رییس پلیس آگاهی مازندران خاطرنشان کرد: با شناسایی و دستگیری این فرد همدستان وی که چهار مرد و دو زن بودند در چند مرحله عملیات شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ «عظیمی» افزود: متهمان در تحقیقات و بازجویی‌های فنی پلیس تاکنون به ۲۵ فقره سرقت و زورگیری، کیف‌قاپی و تهدید و ارباب شهروندان با استفاده از سلاح سرد اعتراف کرده‌اند. وی ادامه داد: بازرسی از مخفیگاه متهمان مقدار زیادی اموال مسروقه و مدارک شناسایی افراد به همراه وسایل و آلات شرارت کشف و ضبط شد و متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.